
تأملی بر مهمترین مبانی قرآنی انقلاب اسلامی ایران

محسن شفیعی سیف ابادی^۱

چکیده

انقلاب اسلامی ایران، در پرتو آموزه‌های اسلامی و ایستارهای رهایی بخش، آموزه‌های کنشی - رفتاری در جغرافیای جهان اسلام را به آموزه‌های معنوی خاصی هدایت ساخت. از همین رو است که این انقلاب با تعاملات سیاسی - اجتماعی خود، ردپای هنجارگرایی را تعمیق بخشیده است. هنجارگرایی و معنویت باوری که از مبانی قرآنی و معنوی آن سرچشمه می‌گیرد. از همین رو، سؤالاتی که در این جا مطرح می‌شود این است که مفهوم انقلاب چه معانی را در ابعاد سیاسی و قرآنی در بر دارد و اساساً مهم‌ترین مبانی قرآنی انقلاب اسلامی ایران کدامند؟ نتایج حاصل از تحقیق که بر مبنای رویکردی تحلیلی - تبیینی محقق شده است، نشان می‌دهد که مصادیق تعریف سیاسی از انقلاب در متن قرآن به سهولت قابل استنباط بوده و مقولاتی چون بیداری اسلامی، عدالت اجتماعی، دعوت به تفکر، وحدت اسلامی و ملی و استقلال، از جمله مهم‌ترین مبانی قرآنی انقلاب اسلامی ایران است.

کلیدواژگان: انقلاب اسلامی، مبانی قرآنی انقلاب، ارزش‌های اسلامی، عدالت اجتماعی.

۱. مقدمه

تحولات انقلاب اسلام ایران، امروز باعث شده که تحلیلگران عرصه بین‌المللی، در ارتباط با انقلاب اسلامی از پسوند الهی بودن در تشریح آن استفاده کنند. به گونه‌ای که «میشل فوکو» که از جمله فیلسوفان برجسته معاصر است و خود انقلاب اسلامی را دیده و درک نموده است، این انقلاب را «چهره چهارم قدرت» و «روح جهان بی‌روح» می‌خواند و سرآغاز آن را حرکتی جهت «بازگشت به معنویت» می‌داند. همچنین دیگر اندیشمندانی چون «کلر بریر» و «پیر بلانشه»، انقلاب اسلامی ایران را به‌عنوان تحرکی سیاسی در جهت تشریح و تلقین نام خداوند تعریف نموده‌اند. همچنین افراد دیگری چون گیل کپل در کتاب معروف خود تحت عنوان «انتقام خداوند»؛ علی دوانی در کتاب «نهضت روحانیون ایران»، حامد الگار در کتاب «ریشه‌های انقلاب اسلامی»، آصف حسین در کتاب «ایران اسلامی، انقلاب و ضد آن»، یان ریشار در مقاله «تفکر معاصر شیعی»، بعد نرم افزارانه انقلاب اسلامی ایران را به خوبی درک و مورد تأکید داده‌اند تا از این طریق تفاوت عمده میان این تحول عمیق سیاسی-اجتماعی را با سایر تحولات جهانی به بحث گذاشته باشند. بنابراین، نیک پیداست که انقلاب اسلامی ایران، از زوایای متفاوت معنویت‌گرایی را در کنش‌گفتمانی خود به‌عنوان دالی مرکزی مورد توجه قرار داده و سایر دال‌های خود را بر پایه این معنویت‌های اسلامی بسامد و هنجارمند نموده است. این نوع از سیمای سیاسی انقلاب، در فرهنگ مردم ایران زمین به خوبی جایگاه خود را پیدا نموده و شرایط را جهت صدور و تجلی ابعاد نرم افزارانه و فرهنگی انقلاب فراهم نموده است. در همین این راستا، سولاتی که در این جا مطرح می‌شود این است که «مفهوم انقلاب چه معانی را در ابعاد سیاسی و قرآنی دربر دارد و اساساً مهم‌ترین مبانی قرآنی انقلاب اسلامی ایران کدامند؟» جهت پاسخ به سؤال مذکور، سعی بر آن است تا ابتدا، به بررسی ضرورت طرح مبانی انقلاب اسلامی پرداخته شده و در ادامه ضمن تشریح مفهوم سیاسی-قرآنی انقلاب، مهم‌ترین مبانی قرآنی انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد.

۲. پیشینه تحقیق

واکاوی آثار مرتبط با انقلاب اسلامی ایران و مبانی قرآنی آن حکایت از آن دارد که در باب پدیده انقلاب اسلامی ایران تا کنون آثار زیادی در ابعاد مختلف مبانی نگاشته شده اما در بعد مبانی قرآنی انقلاب چندان آثار منسجم و پرتعدادی نگارش نیافته است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین اثری که با تحقیق حاضر قرابت موضوعی و محتوایی دارد اشاره می‌شود. علی شریفی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی قرآنی جواز مشارکت سیاسی زنان در انقلاب اسلامی ایران»، با بررسی تفسیری برخی آیات مرتبط با جایگاه و شئون زنان، برداشت‌های نادرست و تلقی‌های محدودیت‌انگازانه درباره حضور اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان در جامعه و انقلاب اسلامی با استناد به نظریات فریقین را مردود دانسته است. نویسنده در گام بعد مبانی جواز مشارکت سیاسی آنان در انقلاب اسلامی را استنباط و تبیین نموده است.

شریف لک زایی (۱۳۹۲) در پژوهش با عنوان «حکمت متعالیه و انقلاب اسلامی ایران»، به بررسی ظرفیت‌های عملی حکمت متعالیه در مقایسه با انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. او با بررسی دیدگاه موافقان و منتقدان، بر ظرفیت حرکت‌آفرین حکمت متعالیه در انقلاب اسلامی تأکید کرده و بر این نظر است که این حکمت هم در پیدایش انقلاب اسلامی تأثیراتی داشته است و هم در استمرار و تداوم آن نقش مؤثری ایفا کرده و خواهد کرد. به باور او، حکمت متعالیه تأثیر بسیاری در پیدایش، استمرار و تداوم انقلاب اسلامی داشته است. محمدعلی محمدی (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «مبانی انقلاب اسلامی در قرآن و روایات (با تاکید بر دیدگاه امام و آیت‌الله خامنه‌ای)» معتقد است که یکی از مهم‌ترین مبانی قرآنی انقلاب اسلامی که در سخنان امام و رهبری آمده مردم محوری است. از منظر او، پذیرش اسلام واقعی و باور به این که اسلام ناب، اولین مبنای قرآنی انقلاب و با مراجعه به قرآن قابل دستیابی است.

امیرحسین رشیدی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از روش نورمن فرکلاف»، بر این باورند که تحلیل واژگان و بررسی ویژگی‌های دستوری بیانیه نشان می‌دهد مولد متن به دنبال ایجاد گفتمانی تعاملی همراه با ایجاد حس قرابت بوده و با هدف تبیین روحیه اصیل انقلاب برای جوانان و ایجاد فضای گفتمانی سازنده، در صدد ترسیم مسیر آینده نظام است. افعال متن بیانیه، تعهد مطلق نویسنده به صدق گزاره‌های بیانیه و شفافیت دیدگاه مؤلف در جهان بینی را نشان می‌دهد. همچنین عدم استفاده از حسن تعبیر و افعال کمکی مستلزم تردید، حکایت از صداقت و صراحت مؤلف در تبیین اهداف بیانیه دارد. بررسی زمینه‌های بینامتنی، نمایانگر تأکید بر خودباوری و درس‌آموزی از رخداد‌های داخلی و بین‌المللی است.

فیض اله اکبری دستک (۱۳۹۶) در اثری با عنوان «پیوند قرآن و انقلاب اسلامی در اندیشه و سیره امام خمینی (س)»، امام خمینی قرآن را از چنان ظرفیت و جامعیتی برخوردار می‌داند که می‌تواند تأمین‌کننده جامع نیازهای مادی و معنوی بشریت در مسیر تدارک زندگی سعادت‌مندان در همه زمان‌ها و مکان‌ها باشد. از دیگر سو، قرآن در دیدگاه امام خمینی صرفاً کتاب اخلاق و تربیت و معرفت فردی نیست بلکه ایشان قرآن را در بردارنده آموزه‌های اجتماعی و سیاسی در امور مدیریت و حاکمیت جامعه بر مبنای استقلال، آزادی، استکبارستیزی و ظلم‌ناپذیری می‌داند.

آنچه مقاله حاضر را با سایر مقالات متفاوت می‌کند، علاوه بر پردازش ضرورت و اهمیت طرح مبانی انقلاب اسلامی، عبارت است از: ۱. استناد به آیات صریح قرآنی در تکمیل شرح مبانی انقلاب اسلامی؛ ۲. پردازش مقولاتی چون استقلال و دعوت به تفکر در کنار مبانی جدیدتری چون بیداری اسلامی؛ ۳. تطبیق انقلاب بر آیات قرآن همراه با دسته بندی‌های مجزا و مقایسه آن‌ها با یکدیگر و در نهایت جمع‌بندی خاص هر قسمت.

۳. ضرورت طرح مبانی انقلاب اسلامی

این سخن از مقام معظم رهبری در ارتباط با انقلاب اسلامی ایران که می‌فرمایند «آن چیزی که می‌تواند استقلال را تأمین بکند برای انقلاب اسلامی ما، تکیه صریح و شفاف بر

مبانی انقلاب است؛ اصول انقلاب، مبانی انقلاب، ارزشهای انقلاب، به شکل صریح و شفاف مورد تکیه باید قرار بگیرد. همچنان که امام بزرگوار این جور بود؛ امام از اول شروع نهضت، همه حرف خود را صریح، بدون ابهام بیان کرد. از اول، امام رژیم طاغوتی موروثی استبدادی سلطنتی را نفی کرد، ملاحظه نکرد؛ از اول معلوم بود که امام دنبال یک نظام و یک تشکیلات مردمی است. سلطنت موروثی، مردود؛ نظام استبدادی، مردود؛ نظام فردی و متکی به اراده فرد، مردود؛ اینها را امام صریح بیان کرد؛ پرده پوشی نکرد. امام بصراحت بیان کرد که نظام اسلامی - نظامی بر مبنای اندیشه اسلام و ارزشهای اسلامی - باید سرکار بیاید؛ پرده پوشی نکرد. (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش ۱۳۹۲/۱۱/۱۹، نقل شده در سایت: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2245>). به خوبی ضرورت مبانی انقلاب اسلامی را گوشزد می-کند. این مسئله در باب انقلاب اسلامی ایران از آن جهت اهمیت می یابد که برخی از ابتدا سعی داشته اند مبانی انقلاب اسلامی را به مقولات مادی ارتباط دهند و از این طریق مسیر انقلاب اسلامی را منحرف نمایند. انقلابی که اعتبار بسیاری از نظریات پیشین را از بین برده و نسبت عام این تئوری ها را نقض نموده است. به عنوان مثال فردی چون جان فوران با وجود این که انقلاب اسلامی ایران را انقلابی متفاوت با سایر گونه های هم ردیف خود قلمداد می کند، باز هم زمانی که بر سر تحلیل آن همت می گذارد، این تحول بزرگ تاریخ قرن ۲۰ را محصول انتظارات فزاینده مردم ایران دانسته و ابعاد معنوی آن را به شدت کاهش می دهد.

۴. مفهوم شناسی واژه مبانی و انقلاب اسلامی

الف) مبنا

در ارتباط با واژه «مبانی» در فرهنگ لغت به مقولاتی زیربنا، اساس، پایه، پی نهاد، محل

بنا، جای که چیزی در آن ساخته می‌شود و امثال آن آمده است (آشوری، ۱۳۷۴: ۳۵). این مقوله از حیث لغوی، ماهیت و دین در نموداری به شرح زیر قابل بررسی است.

ب) معانی و ابعاد کاربردی مفهوم مبانی

از حیث لغوی شامل مقولاتی چون اساس، پایه و شالوده می‌شود از حیث حوزه علم، عبارت است از هست‌ها و واقعیت‌هایی که در حوزه‌های مختلف علمی و غیر علمی وجود دارند و پایه و اساس مسائل مربوط به آن حوزه قرار می‌گیرند در مکتب اسلامی، آنچه زیربنا و مبنا است، اصول دین و به‌ویژه توحید است که، بر پایه ایستارهای اسلامی، اساسی‌ترین اندیشه اسلامی را تشکیل داده و همه معارف الهی بر آن استوارند (طباطبائی، ج ۲، ص ۳۱۵).

با این تعاریف، واژه مبانی در طرح مفهوم انقلاب اسلامی ایران نیز معنای خاص خود را درمی‌یابد. به عبارتی، «یعنی آن اندیشه‌های بنیادین و اساسی که شالوده و پایه‌های اصلی این حرکت مردمی - اسلامی را تشکیل می‌دهند، به عنوان مبانی انقلاب و حرکت سیاسی یاد می‌شوند. به این دلیل که همه فعالیت‌های تبلیغی، جهادی، دفاعی و ایثار و فداکاری که در سامان‌دهی انقلاب اسلامی صورت گرفته بر آن اندیشه‌ها مبتنی بوده است» (احسانی، ۱۳۹۳). البته نباید از یاد برد که انقلاب اسلامی ایران، از زوایای گوناگون و متعدد قابل بررسی است اما آنچه در این جا بیش از پیش مورد نظر نویسندگان است، بررسی مبنای قرآنی انقلاب اسلامی ایران می‌باشد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

ج) انقلاب اسلامی

از منظر برخی، «انقلاب اسلامی به پدیده‌ای گفته می‌شود که به صورت خشونت بار، همراه با مشارکت مردم تحقق پذیرد و منجر به تغییر و تحول بنیادی مبتنی بر مکتب اسلام در ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه گردد (نقوی، ۱۳۸۰، ص ۲۰) در تعریف فوق از انقلاب اسلامی، عنصر «خشونت بار» گنجانده شده که در این باره باید گفت

هرچند، استفاده از خشونت در انقلاب‌ها، چه از طرف گروه حاکم و چه از طرف انقلابیون، امری رایج است، اما در انقلاب اسلامی ایران به دلیل مبتنی بودن بر اندیشه اسلامی و رعایت سلسله مراتب امر به معروف و نهی از منکر، شاهد کمترین خشونت‌ها از طرف انقلابیون بوده‌ایم. انقلاب اسلامی، فارغ از جهات زمان و مکان، ویژگی‌هایی دارد؛ اگر انقلاب اسلامی ایران به عنوان نمونه عینی یک انقلاب اسلامی ملاحظه شود، تفاوت آن با سایر انقلاب‌ها، در ایدئولوژی، رهبری، اهداف و نظایر اینها آشکار می‌گردد.

در همین راستا، شاید یکی از تعریف‌های مطلوب از انقلاب اسلامی که حق مطلب را ادا می‌کند این تعریف از شهید مطهری است آن‌جا که می‌گوید: «انقلاب، عبارت است از طغیان و عصیان که مردم علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظم مطلوب انجام می‌دهند؛ یعنی انقلاب از مقوله عصیان و طغیان است علیه وضع حاکم برای وضعی دیگر. پس ریشه‌های انقلاب دو چیز است: یکی نارضایتی و خشم از وضع موجود و دیگر آرمان یک وضع مطلوب» (مطهری، ج ۲۴، ۱۳۹). همچنین ساموئل هانتینگتون نیز معتقد است: «انقلاب یک دگرگونی سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز داخلی در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت‌های حکومتی و سیاست‌های آن است» (عیوضی، هراتی، ۱۳۹۱: ۲). با مروری بر سایر تعاریف اندیشمندان معاصر اسلامی، استنباط می‌شود که یکی از ابعاد مهم در معرّفی انقلاب‌ها، بُعد ارزشی و مطلوبیت آرمان‌ها است. آرمان‌هایی که پشتوانه آن‌ها، مبانی عمیقی است که در ادامه بیشتر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۵. مبانی قرآنی انقلاب اسلامی

۱.۵. مفهوم‌یابی واژه انقلاب در قرآن کریم

شاید یکی از آیات گرانسنگی که به صراحت به مقوله انقلاب اشاره دارد، فرمایش خداوند متعال در سوره مبارکه سباء است آن‌جا که می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ

تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ نَفْسٍ وَفَرْدٍ...؛ [ای پیامبر!] بگو: شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم و آن این که دو نفر دو نفر و یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید...» (سبأ / ۴۶). در تفسیر و تشریح این آیه در شاکله جدولی به شرح زیر می‌توان استدلال نمود که عناصری که در این آیه شریفه مورد توجه قرار گرفته است عبارتند از:

جدول شماره ۱: مفهوم انقلاب در قرآن

اعظکم (به معنای شما را اندرز می‌دهم)	در حقیقت بیان‌گر این واقعیت است که خیر و صلاح شما را در نظر داریم و نه هیچ چیز دیگر را.
نقل مفهوم «بواحدة» (به معنای تنها یک چیز) به ویژه با تأکید «اتّما»	این عبارت نظارت بر این مسئله مهم و حیاتی دارد که تمام مساعی انسان‌ها می‌بایست برای رضایت خداوند باشد و برای خشنودی وی باید انجام یابد.
«قیام»	این واژه در این جا صرفاً معنای ایستادن را تداعی نمی‌کند، بلکه مهم‌ترین معنایی که از این مفهوم استخراج می‌شود عبارت است از: تصمیم و اقدام برای انجام کار، آمادگی و داشتن انگیزه و اراده است.
مِثْلَ نَفْسٍ وَفَرْدٍ	تک روی‌های انسانی در زمینه‌های سیاسی لزوماً عامل تکامل وی نخواهد بود، بلکه این کنش سیاسی زمانی به برتری وی منتهی می‌شود که با حفظ هویت فردی خویش، خود را با دیگران و هم‌فکر و دل‌سوزانان بداند.
جمع‌بندی	امام خمینی در ارتباط با شأن آیه مطرح شده می‌فرماید «این جمله مبارکه جامع سعادت دنیا و آخرت و متضمن تمام مواظب پیامبران عظیم‌الشان و اولیای بزرگوار است» (امام خمینی، ج ۱۵، ۳۴۶). زیرا از نظر وی، قیام برای خدا است که ابراهیم خلیل‌الرحمن را به منزل حُلّت رساند و از جلوه‌های گوناگون عالم طبیعت رهاوند. قیام الله است که موسای کلیم را با یک عصا بر فرعونیان چیره کرد و تمام تخت و تاج آن‌ها را به باد فنا داد و نیز او را به میقات محبوب رساند و به مقام صعق و صحرا کشاند. قیام برای خدا است که خاتم‌النبیین ﷺ را یک تنه بر تمام عادات و عقاید جاهلیت غلبه داد و بت‌ها را از خانه خدا برانداخت و به جای آن توحید و تقوا را گذاشت و نیز آن ذات مقدس

را به مقام «قاب قوسین او أدنی» رساند. خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده، همه جهانیان را بر ما چیره کرد و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران در آورده... موعظه خدای جهان را بخوانید و یگانه راه اصلاحی را که پیشنهاد فرموده بپذیرید و ترک نفع شخصی کرده، تا به همه سعادت های دو جهان نائل شوید و با زندگانی شرافتمندانه دو عالم دست در آغوش شوید^۱»
(همان، ۱: ۳).

بنابر این برای وقوع یک تحول اجتماعی مهم و بنیادین همچون انقلاب ابتدا باید اعتقاد به امکان تغییر و تحول اجتماعی وجود داشته باشد و این اعتقاد مبتنی بر اعتقاد به اختیار و آزادی انسان ها و نقش اراده انسانی در تعیین سرنوشت خود می باشد. از طرفی در آیات قرآن کریم موارد مختلفی را می توان دریافت که به نقش اراده انسانی در تحولات فردی و اجتماعی انسان تأکید دارد که از جمله آن ها می توان به این آیات اشاره کرد: إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ یعنی خداوند سرنوشت هیچ قوم (وملتی) را تغییر نمی دهد مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند (رعد/ ۱۱)

۲.۵. مبانی قرآنی انقلاب اسلامی

انقلاب ها در هر کشوری، خاستگاه اصلی خود را در ظرفیت ها و پتانسیل هایی می بینند که عامل اصلی تحقق و وقوع آن ها بوده است. این عوامل بی شک برخاسته از مبانی و شالوده هایی هستند که وجهه این انقلاب ها را برای مردم بومی و تابع خود مشروع و

۱- همچنین حضرت امام با استناد به این آیه شریفه، خطاب به مسلمانان جهان می فرماید: «از جای برخیزید و قرآن کریم را به دست گرفته به فرمان خدای تعالی گردن نهید تا مجد خود و عظمت اسلام عزیز را اعاده کنید. بیایید و به یک موعظه خداوند گوش فرا دهید، آن جا که می فرماید: «قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی و فرادی» همه قیام کنید و برای خدا قیام کنید، قیام فردی در مقابل جنود شیطانی باطن خودتان و قیام همگانی در مقابل قدرتهای شیطانی، اگر قیام و نهضت، الهی و برای خدا باشد، پیروز است. ای مسلمانان جهان وای مستضعفان عالم! دست به دست هم دهید و به خدای بزرگ رو آورید و به اسلام پناهنده شوید و علیه مستکبران و متجاوزان به حقوق ملتها، پرخاش کنید» (همان، ۱۰: ۳۳۹).

مقبول می‌سازد. در این میان، انقلاب اسلامی ایران نیز که با وقوع خود تمامی تئوری‌های انقلاب و اکثریت پیش‌بینی‌های سیاسی را به چالش کشاند، دارای مبانی مهم ارزشی و قرآنی است که در ادامه ذیل محورهایی، به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲.۵-۱. بیداری اسلامی

بیداری اسلامی، به‌عنوان یکی از مبانی قرآنی و اصیل انقلاب اسلامی، حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی است که اکنون به تحولی بزرگ در میان ملت‌های این منطقه انجامیده است و انقلاب‌هایی را پدید آورده که هرگز در محاسبه قدرت‌های بین‌المللی نمی‌گنجد (آذرتاش، ۱۳۷۹: ۵۶۵). در این میان، از این روست که قرآن کریم غفلت را عامل اصلی زیان ابدی افراد اجتماع دانسته می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ...﴾ (اعراف، آیه ۱۷۹) به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم آن‌ها دل‌هایی [عقل‌ها] دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند) نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند؛ آن‌ها همچون چهارپایان هستند بلکه گمراهتر! اینان همان غافلان‌اند (چراکه با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراه‌اند). در سوره روم نیز خداوند جهالت در عاقبت اندیشی و خسران اخوری را از نشانه‌های عدم بیداری و غفلت‌ورزی افراد می‌داند ﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ...﴾ آن‌ها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند، و از آخرت (و پایان کار) غافل‌اند! (روم، آیه ۷)».

پیام‌هایی که این آیه از قرآن ما را بدان متوجه می‌نماید این است که اولاً بینش ضعیف و عدم توجه کافی به ماورای مادیات، نوعی نادانی است «لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا...» دوماً انسان همانطور که در متن دینی به کرات مورد اشاره قرار گرفته شده است، باید ژرف‌نگر و عمیق‌اندیش باشد، به ظاهر مسائل کمترین توجه را بنماید و زیرک باشد ﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا... وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ﴾، ثالثاً آیه قرآن به این مسئله اشاره نمی‌کند که

دنیا و آنچه در آن است امر زشت و ناپسند است بلکه غفلت از آخرت را بد و موجبات خسران و زیان می‌داند. «عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ». رابعاً به نظر می‌رسد خداوند ددر این آیه برخی از آگاهی‌ها را نیز به چالش کشیده، آن‌جا که علم به ظواهر دنیای مادی بدون توجه و دقت در آخرت را مورد انتقاد قرار داده است «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا... عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ». خامساً مطابق با مفاد این آیه، نباید از یاد برد که دنیا ظاهر و باطنی دارد و لزوماً آخرت، ماهیت باطن دنیا است «ظَاهِرًا - عَنِ الْآخِرَةِ» در همین راستا نیز توجه صرف به ظواهر دنیا، عاملی اصیل در غفلت از آخرت است. از همین رو است که خداوند متعال با نکره آوردن «ظاهراً» با زبان تحقیر با آنان سخن گفته است. «چه این که ظاهر حیات دنیا، در مقابل باطن آن نا چیز است. این افراد، به همان چیزهایی بسنده می‌کنند که با حواس ظاهری‌شان احساس می‌کنند و به ماورای آن توجهی ندارند. این احساس موجب می‌شود تا به مادیات دل ببندند و در پی تحصیل آن برآیند و از غیر آن یعنی خداشناسی، حیات اخروی و معارف مربوط به آن غفلت ورزند» (طباطبائی، ج ۱۶، ۲۳۶).

علاوه بر آیات مطرح شده، خداوند در آیه دیگری نیز به این مسئله اشاره نموده است، آن‌جا که می‌فرماید ﴿أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾ (ابراهیم، آیه ۱۰) مگر درباره خدا (پدید آورنده آسمان‌ها و زمین) تردیدی است؟ به نظر می‌رسد اولین پیامی که این آیه می‌تواند داشته باشد این است که اولاً اعتقاد قلبی و درونی به خدا، فطری است و شاسته شک نیست. ﴿أَفِي اللَّهِ شَكٌّ﴾. دومین پیام نیز اسن است که در راستای فهم و درک حقایق تعصبات قومی، قبیله‌ای، ملی و نژادی، مانع درک، فهم و پذیرفتن حق است.

در ارتباط با انقلاب اسلامی ایران نیز ذکر این نکته اهمیت دارد که این انقلاب نه تنها در تحولات ایران فصل نوینی پدید آورد، بلکه فراتر از مرزهای ایران در سطح منطقه استراتژیک خلیج فارس و خاورمیانه و کشورهای اسلامی تا دیگر نقاط جهان در غرب و شرق دگرگونی‌های فکری و سیاسی پدید آورد و روابط و معادلات جهانی را متحول نمود (مجرد، ۱۳۸۶). به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی ایران در مسیر حرکت و تحولات جوامع بشری نقطه

عطف و سرآغاز عصر جدیدی بود و در سطح جهان و در ابعادی گوناگون پیام خود را طنین انداز ساخت. چنانچه مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «با انقلاب اسلامی در ایران و با تشکیل نظام اسلامی در این نقطه از عالم و با مبارزات طولانی که ملت ما پشت سر رهبر عظیم الشأنش برای حفاظت از انقلاب و اسلام انجام داد عصر جدیدی با خصوصیتی متمایز با دوران قبل در عالم به وجود آمد و تأثیرات این عصر جدید روی ملت‌ها و دولت‌های ضعیف و نیز روی دولت‌های قوی و ابرقدرت‌ها محسوس است و حتی نقشه سیاسی دنیا عوض شده است. این عصر و این دوران جدید را باید دوران امام خمینی نامید...» این مسئله در انگاره‌های دینی سیاسی شهید مطهری نیز مغفول نمانده آن‌جا که اشاره می‌کند تحقق و توفیق انقلاب اسلامی ایران، نقطه اوج نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر است (مطهری، ۱۳۷۲: ۶). در این میان، شخصیت نستوه امام خمینی، خود نقطه اوج غفلت زای اجتماع اسلامی را تبیین می‌کند، آن‌جا که اجتهاد او عملا شکاف بین مذاهب شیعه و سنی را در امور حکومتی و سیاسی، پرکرد و مردم را از غفلت دور نمود. در همین راستا نیز، مسلمانان با شناخت حقیقت و اهداف جهانی اسلام، حرکت جدیدی را آغاز کردند. «امروز در هر نقطه‌ای از دنیای وسیع اسلام که جمعیت یا گروهی به انگیزه آزادی‌خواهی و ضدیت با استکبار حرکت می‌کنند، مبنا و قاعده کار و امید و حرکتشان، تفکر اسلامی است.» (سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶: ۲۹۶). اوج و نقطه کانونی بیدارسازی انقلاب اسلامی ایران زمانی پررنگ جلوه می‌نماید که بدانیم با شکست فاشیسم (۱۳۲۴/۱۹۴۵) و کمونیسم (۱۳۷۰/۱۹۹۱) پس از جنگ جهانی دوم و جنگ سرد، ایدئولوژی سرمایه‌داری خود را بی‌رقیب می‌دید، در آن فضای سیاسی - اجتماعی، انقلاب اسلامی ایران، نظام لیبرال دموکراسی را به چالش طلبید. به گونه‌ای که به تدریج، هم در کشورهای پیشرفته، و هم در جهان در حال توسعه، تعداد کثیری از مردم معتقد شدند که می‌توانند با عضویت در گروه‌ها و یا جنبش‌های دینی، به‌طور مؤثرتری هدف‌های مادی و معنوی خود را دنبال کنند (وایت، لیتل، اسمیت، ۱۳۸۱: ۶).

جدول شماره ۲: مبانی کلامی بیداری اسلامی در آیات قرآنی

آیه	سوره	توضیحات
اعراف، آیه ۱۷۹	﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾	در آینه قرآن، ریشه گناهان و ناهنجاری های فردی و اجتماعی عدم بیداری و هشیاری معرفی شده است. در این شرایط افراد ناهشیار، در بی تفاوتی و بطالت کامل به سر می برد و توجهی به ماورای جهان ماده و مادیات ندارد.
ابراهیم، آیه ۱۰	﴿أَفِي اللّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾	به کارگیری همزه استفهام در سؤال و آوردن بارزترین صفت خداوند، یعنی خالقیت بعد از آن، در حقیقت فکر مخاطب را با این مسئله درگیر می کند که درباره آفریدگار زمین و آسمان نباید تردید کرد. چون دلیل و برهان بر وجود ذات خداوند آن قدر زیاداند که هرگونه شک و تردید را از بین می برند.
روم، آیه ۷	﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ...﴾	این آیه به نوعی ابعاد اجتماعی غفلت را نیز دربر دارد و احتیاج به معرفت بخشی و بیدارسازی را گوشزد می کند. زیرا پیمودن مسیر حق و بندگی جز در سایه شناخت و درک حقایق و اهتمام به ارزش های دینی و انسانی، میسر نیست. بر این، اولین گام در تربیت انسان و نجات او، خروج از غفلت، رسیدن به حالت هشیاری، بیداری و توجه به حقیقت است.
جمع بندی	قران کریم در آیات متعدد خود به مسئله غفلت زدایی اشاره نموده است. به نظر می رسد اصولاً مبعوث شدن پیامبران برای انجام تحول و بیداری مردمی بوده است. امری که با وقوع انقلاب اسلامی نیز در صحنه عمل شاهد شکل گیری	

<p>آن‌ها بودیم. به گونه‌ای که این تحول، وقوع بیداری و هشاری مردم بسیاری از کشورهای جهان را فراهم کرد، امری که بعدها در کتاب‌ها و متون متعددی در باب بازتاب انقلاب اسلامی ایران قابل مشاهده است.</p>

۵-۲-۲. دعوت به تفکر

انقلاب اسلامی ایران در گستره فکری خود، همواره دعوت مردم به تعقل و تفکر را در دستور کار خود قرار داده است. به عبارت دیگر احیای تفکر و تعقل صحیح از مبانی اساسی و پایه‌ای انقلاب اسلامی است. در همین راستا مقام معظم رهبری در بیانات اول مرداد ماه ۱۳۹۳ در ارتباط با جایگاه عقلانیت صحیح در کشور می‌فرماید «یکی از مهم‌ترین خدمات انقلاب اسلامی، احیای عقلانیت صحیح در کشور بود. این که شما جوان دانشجوی می‌آیید مسائل منطقه را تحلیل می‌کنید، با نگاه موشکافانه مسائل را می‌بینید، دشمن را معرفی می‌کنید، حوادث منطقه را تحلیل می‌کنید و می‌ایستید، این نشان دهنده حیات عقلانی یک کشور است؛ این را انقلاب به ما داد. امروز بعضی‌ها باز دلشان می‌خواهد برگردند به همان شکل سابق. همان جریان‌های غرب‌زده، جریان‌هایی که عاشق غربند، ملت را تحقیر می‌کنند، داشته‌ها را تحقیر می‌کنند، فرهنگ و هویت ملی را تحقیر می‌کنند به نفع مسولین غربی، دلشان می‌خواهد که همان‌ها دوباره بیایند و برای امور کشور، فرهنگ کشور، جهت‌گیری کشور، شاخص معین کنند و معرفی کنند. این عده‌ای که امروز در خارج از کشور، در زیر پرچم همین دشمنان خونی ملت ایران دارند علیه جمهوری اسلامی کار می‌کنند» (امام خامنه‌ای، بیانات مقام معظم رهبری، دیدار با دانشجویان، ۹۳/۵/۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=27046>)

در دین مبین اسلام نیز به مقوله عقل اندیشی و عقلانیت عمل توجه فراوانی شده است. به عبارتی، قرآن نیز پس از مقوله بیدارسازی مردم، دعوت به تعقل را در دستور کار خود قرار می‌دهد تا از این طریق مردم را در انتخاب مسیر و حیات سیاسی - اجتماعی آن‌ها بیمه نماید. به عنوان مثال در سوره نمل می‌فرماید: ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

المُجْرِمِينَ ﴿ بگو: در روی زمین سیر کنید و ببینید عاقبت کار مجرمان به کجا رسید! (نمل) / ۶۹) در این آیه خداوند مردم را به عبرت‌گیری از گذشتگان خود دعوت می‌کند. همچنین در آیه ۲۰ سوره عنکبوت می‌فرماید: ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يَنْشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ - بگو: در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس خداوند (به همین گونه) جهان آخرت را ایجاد می‌کند یقیناً خدا بر هر چیز توانا است! (عنکبوت، آیه ۲۰). همچنین در سوره روم آیه ۴۲ نیز مانند سوره ۶۹ نمل تعقل پیشگی را اساس دعوت خود عنوان نموده و سعی در پذیرش عقلانی اسلام می‌کند. ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ﴾ بگو: در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند چگونه بود؟ بیشتر آن‌ها مشرک بودند! (روم، آیه ۴۲). همچنین قرآن کریم در سوره اعراف آیه ۲۸، حتی پرهیز از تقلید کورکورانه متن قرآن را به شدیداً مذمت می‌نماید و می‌فرماید ﴿وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرْنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ بگو: خداوند (هرگز) به کار زشت فرمان نمی‌دهد! آیا چیزی به خدا نسبت می‌دهید که نمی‌دانید؟! (اعراف، آیه ۲۸). در جای دیگر قرآن حتی حدس و گمان ناصحیح را که مبنای عقلانی ندارند رد نموده و شدیداً مذمت می‌کند ﴿وَ قَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾ (جاثیه، آیه ۲۴)... آن‌ها گفتند: چیزی جز همین زندگی دنیای ما در کار نیست گروهی از ما می‌میرند و گروهی جای آن‌ها را می‌گیرند و جز طبیعت و روزگار، ما را هلاک نمی‌کند! آنان به این سخن که می‌گویند علمی ندارند، بلکه تنها حدس می‌زنند (وگمانی بی پایه دارند)».

جدول شماره ۳: مبنای کلامی دعوت به تفکر در آیات قرآنی

آیه	سوره	توضیحات
-----	------	---------

<p>در آینه این آیه‌های قرآن، جهانگردی معنوی و سیر در زمین، ضمن افزایش بینش سیاسی - اجتماعی افراد، آن‌ها را از جمود فکری رهایی می‌بخشد. علاوه بر این، در تشریح این آیات باید متذکر شد که</p>	<p>﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ﴾</p>	<p>نمل، آیه ۶۹</p>
<p>اولاً: در این آیات منظور صرفاً گذار به دور دنیا نیست بلکه این حتی این سیر در یک محیط کوچک تری نیز می‌تواند اتفاق می‌افتد ثانیاً: منظور بیشتر گشتن در جاهایی است که جامعه و قوم و قبیله‌ای در آن جا زندگی کرده‌اند و یا می‌کنند زیرا در</p>	<p>﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾</p>	<p>عنکبوت، آیه ۲۰</p>
<p>بیابان و یا کوهستان‌ها و امثال آن کسی نیست تا این که قسمت دوم آیه یعنی توجه به عاقبت مکذبین در آن معلوم شود. سوم: این سیر و گردش و تفحص، به معنای سیرمادی تنها نیست بلکه با مطالعه تاریخ و داستان‌های واقعی و سرنوشت افراد هم می‌توان این سیر را انجام داد. (طبرسی، ۱۳۸۴: ۶۵)</p>	<p>﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ﴾</p>	<p>روم، آیه ۴۲</p>
<p>این آیه این مسئله را گوشزد می‌کند که ۱. توجه گناه، گاهی از خود بزرگ‌تر بوده و این خود نشان دهنده نفوذ شیطان است. ۲. گاهی انحرافات انسان، برای افراد پس از خود، الگومی شود و آن‌ها، بارگناه نسل‌های آینده را نیز به دوش می‌کشند. بنابراین، باید تعقل پیشه نموده و در کار خود خردورزی را در کانون تصمیمات قرار دهند.</p>	<p>﴿وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ بگو</p>	<p>اعراف، آیه ۲۸</p>
<p>در این آیه روشن است که روی معاد بیشتر تکیه شده و دلیل آن این است که ظاهراً از آن وحشت داشتند، با این حال، آن را با این توجیه که بر پایه حدس و گمان است انکار می‌کنند. در این شرایط</p>	<p>﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا﴾</p>	<p>جاثیه، آیه ۲۴</p>

<p>است که این افراد به تعقل دعوت می‌شوند.</p>	<p>يُظُنُّونَ...﴿</p>	
<p>تفکر، تعقل و انتخاب درست با پیروزی انقلاب اسلامی اساس آموزه‌های سیاسی دینی قرار گرفت. به تدریج مفاهیم و وقایع اجتماعی و سیاسی کاملاً روشن و پرواضح از طریق رسانه‌ها در اختیار مردم قرار گرفت و آن‌ها با تعقل مسیر زندگی خود را انتخاب نمودند. این خردورزی از جمله دست آوردهای انقلاب اسلامی است، موهبتی که در طول دوران حیات معنوی پیامبر نیز به وسیله نزول وحی و از طریق آموزه‌های اسلامی به مردم منتقل می‌شده است.</p>		<p>جمع‌بندی</p>

۵- ۲- ۳. استقلال

در فرایند ملت‌سازی یکی از مواردی که بدان اشاره مستقیم می‌شود مقوله استقلال در معنای کلی آن است. زیرا با داشتن همین عنصر استقلال است که دولت خواهد توانست زمام امور را به دست گرفته و در مسیر تحرک اقتصادی - سیاسی قرار گیرد. به نظر می‌رسد از زمانی که بحث «استعمار» مطرح شد، این مفهوم در مقابل آن قرار گرفت. زیرا اساساً استقلال مفهومی مغایر و مخالف وابستگی است.

در همین رابطه، خداوند در آیه ۱۴۱ سوره نساء می‌فرماید ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا...﴾ آنانکه در انتظار فرصت کمین می‌کنند، پس اگر فتحی از ناحیه خدا نصیب شما شود، خود را جزء شما دانسته و می‌گویند، مگر ما با شما نبودیم؟ و اگر این فتح نصیب کافران شود، می‌گویند: مگر ما شما را در غلبه کمک نکردیم و شما را از گرایش به مؤمنین منع نمی‌کردیم؟ پس خدا در قیامت بین شما حکم خواهد کرد و خداوند تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین سلطه‌ای بر مؤمنان داشته باشند». همچنین براساس آیات ۱۳۸ - ۱۴۰ همان سوره خداوند وابستگی به

مشرکان و پذیرش سرپرستی آنان را موجب ذلت، حقارت و عذاب الهی دانسته و گسستن از ولایت غیراورا سبب عزت فرد و جامعه می‌شود: ﴿بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْتَنُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا...﴾ قرآن برای تأمین عزت و سربلندی مسلمانان و برتری آنان بر کافران و حفظ و صیانت این موقعیت، مؤمنان را موظف می‌کند تا از هر کاری که موجب سلطه و سیطره کافران گشته و مسلمانان را به وابستگی می‌کشاند دوری کنند».

علاوه بر این، در قرآن کریم آیات بسیاری دیگر نیز نازل شده‌اند که بیان گر معنا و مفهوم استقلال به معنا و مفهومی است که اکنون در برخی از رشته‌های دانشگاهی چون رشته علوم سیاسی از آن سخن رانده می‌شود. به عنوان مثال، می‌توان به آیاتی که به مسئله عزت و غرور مسلمانان (منافقون، آیه ۸) نفی سلطه‌پذیری مسلمانان (مائده، آیه ۵۱ و ۵۲) عدم سوق و حرکت به سمت کافران (هود، آیه ۱۱۳) تبعیت نمودن از برخی از اهالی کتاب و کافران (آل عمران، آیه ۱۴۹ و مائده، آیه ۴۹) و اتکا به نیروی خود (فتح، آیه ۲۹) عدم انتخاب دوست و رفیق از میان منافقین و دشمنان (آل عمران، آیه ۱۱۸ و مائده، آیه ۵۷) پرداخته اد اشاره نمود.^۱

با وقوع انقلاب اسلامی نیز از جمله دستاوردهای مبنایی که نصیب ملت ایران شد، استقلال به معنای کلی و گسترده آن در همه ابعاد بود. اهمیت این مسئله به گونه‌ای بود که بعدها برای حفظ این موهبت بزرگ بسیار از مردم این سرزمین جان خود را در راستای اهداف معنوی و کمال الهی از دست دادند.

۱- همچنین قرآن روش‌هایی را نیز برای حفظ و پاسداری استقلال دولت و امت اسلامی بیان نموده است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: پذیرش انحصاری مدیریت دولت اسلامی (آل عمران / ۲۸ و نیز توبه / ۲۳)؛ مشروط کردن پیمان با کافران (نساء / ۱۴۱ و انفال / ۶۱ و توبه / ۴ و نیز ممتحنه / ۸) هوشیاری در برابر توطئه‌های دشمنان (آل عمران / ۱۲۰ و نیز نساء / ۸۹) و نیز هوشیاری در برابر مسئله پیمان شکنی (ممتحنه / ۱ و ۲ و نیز توبه / ۸).

جدول شماره ۴: مبانی کلامی استقلال در آیات قرآنی

آیه	سوره	توضیحات
نساء، آیه ۱۳۸ ۱۴۰/	﴿بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِيتُّوْنَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾	در ارتباط با این آیه باید به این مسئله اساسی اشاره نمود که مضمون آن که انتقاد شدید از دوست و سرپرست گرفتن کفار است. بنابراین، این وصف از نظر مصداق اعم از منافقین است که دل‌هایشان ایمان نیاورده و تنها به لقلقه زبان تظاهر به ایمان می‌کنند.
هود، آیه ۱۳	﴿وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ...﴾	آنچه از این آیه استنباط می‌شود این است که اولاً تمایل یا اعتماد به ستمگران داخلی و خارجی، صواب نیست. «لَا تَرْكَنُوا» (ستمگران، لایق پیروی و رهبری نیستند). دوماً، به جای استمداد از ظالم، به خدا توکل کنیم. «وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ» زیرا نتیجه تکیه بر ستمگران، غربت و تنهایی است. «ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»
نساء، آیه ۱۴۱	﴿الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾	از این آیه استنباط می‌شود که ۱. منافقان و فرصت‌طلبان از هر پیشامدی به سود خود بهره می‌گیرند. يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ... ۲. منافقان، جاسوسان کفار و مشوق آنان برای جنگ با مسلمانان هستند. «نَسْتَحْوِذُ» ۳. روزی که همه در برابر خداوند قضاوت می‌شوند، با داوری به حق خدا، همه نیرنگ‌ها و نفاق‌ها آشکار می‌شود. «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» ۴. مؤمنان، حتی پذیرفتن سلطه کافران را ندارند، و سلطه‌پذیری نشانه نداشتن ایمان واقعی است. «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» ۵. باید شرایط به گونه‌ای پیش رود که کفار از سلطه بر مؤمنان برای همیشه ناامید

<p>مأیوس باشند. لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ...</p>		
	<p>انقلاب اسلامی ایران با وقوع خود پایانی بود بر وابستگی در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... این استقلال، مبنایی دارد که در متون مقدس ما اشاره شده است، به گونه‌ای که حتی هم‌نویی و معاشرت‌های سطحی با افراد ستمگر نیز از جمله مقولاتی است که در متن مقدس به خاطر حفظ استقلال نفی شده است.</p>	<p>جمع‌بندی</p>

۵-۲-۴. وحدت

وحدت در معنای واقعی کلمه به معنای یگانگی، یکپارچگی و یکی شدن کاربست می‌یابد (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ۵۴۷). مقام معظم رهبری نیز معتقد است که این مفهوم، در اصطلاح یعنی امت اسلام باید هماهنگ، بدون توجه به جغرافیا و موقعیت ژئوپولیتیکی، یک‌نواخت و هم‌صدا باشند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷، ج ۴، ۹۱). این نوع از اتحاد و وحدت میان مسلمانان، دربردارنده قرابت فرقه‌های اسلامی با یکدیگر است. «این به معنی تحفظ بر اصول مشترک و آزاد گذاردن و معذور داشتن هر فرقه در فروع خاصه خود آن است و راه رسیدن به این هدف، تکیه کردن بر عقل و منطق و دوری گزیدن از احساسات زودگذر و تعصبات غیرقابل کنترل است» (خومحمدی، ۱۳۸۵: ۴۵).

یکی از آیاتی که در آن خداوند به صراحت به مقوله وحدت مسلمین پرداخته است آیه ۱۰۳ سوره آل عمران است. آن‌جا که خداوند می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ...» و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. بدین گونه خدا آیاتش را برای (راهنمایی) شما بیان می‌کند، باشد که هدایت شوید.» این

مسئله همواره مورد تأیید و تأکید امام خمینی قرار داشته است، به نظر می‌رسد این سخن از ایشان به خوبی اشراف بانی انقلاب اسلامی ایران بر مبانی کلامی انقلاب اسلامی را می‌رساند. آن‌جا که می‌فرماید: «خدای تبارک و تعالی امر فرموده است: واعتصموا بحبل الله اجتماع، لکن اجتماع با تشبث به حبل الله. هر اجتماعی مطلوب نیست، واعتصموا بحبل الله مطلوب است، همان است که إقرأ باسم ربک. اسم رب همان ریسمانی است که همه به آن باید اعتصام کنند. مردم را دعوت کنید به وحدت، دعوت کنید به این‌که گروه‌گروه نشوند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، ۳۳۴).

همچنین در آیه ۱۴۳ سوره بقره نیز خداوند به مقوله اتحاد اشاره نموده است و صراحتاً اشاره می‌کند که ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لَتَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُءُوفٌ رَحِيمٌ...﴾ و ما همچنان شما (مسلمین) را به آیین اسلام هدایت کردیم و به سیرت نیکو بیاراستیم تا گواه مردم باشید و پیغمبر نیز گواه شما باشد (تا شما از وی بیاموزید). و (ای پیغمبر) ما قبله‌ای را که بر آن بودی تغییر ندادیم مگر برای این‌که بیازماییم و جدا سازیم گروهی را که از پیغمبر خدا پیروی می‌کنند از آنان که عقب‌گرد کنند و (به مخالفت او برخیزند)، و این تغییر قبله بسی بزرگ نمود جز در نظر هدایت یافتگان خدا. و خداوند اجر پایداری شما را در راه ایمان تباہ نگرداند که خدا به خلق مشفق و مهربان است.» در سوره انعام، آیه ۱۵۹ نیز خداوند به مقوله فرقه فرقه شدن امت و دسیسه برخی از افراد اشاره نموده و می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسَتْ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ...﴾ آنان که دین را پراکنده نمودند و (در آن) فرقه فرقه شدند (چشم از آن‌ها بپوش) چنین کسان به کارتونیايند، (و از دست آن‌ها غمگین مباش که مجازات) کار آن‌ها با خداست و بعد از این به آنچه می‌کردند آگاهشان می‌گرداند.» این آیات^۱ به خوبی بیان‌گر این حقیقت هستند که اگر جامعه‌ای بخواهد به

۱- البته در قرآن کریم آیات زیادی را می‌توان یافت که در آن‌ها به مسئله وحدت اشاره شده است؛ از جمله

توفیات مختلفی دست یابد، باید از یک اصل اصیل بنام وحدت و یکپارچگی بهره گیرد. از این رو انقلاب ما بر اساس همبستگی ملی میان اقوام و طوائف مختلف توانست یک جبهه واحد را بوجود آورد تا این که همگی دست در دست هم توانستند به بزرگترین انقلاب اقدام نمایند. بنابراین یکی از مبانی انقلاب در واقع شکل گیری بر اساس وحدت ملی می باشد که تا کنون از برکات فراوانی برخوردار بوده است.

جدول شماره ۵: مبنای کلامی وحدت در آیات قرآنی

آیه	سوره	توضیحات
آل عمران، آیه ۱۳۰	﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ...﴾	مقام معظم رهبری در تفسیر این آیه می فرماید «یکی از دستورات قرآن این است که احاد امت اسلامی با یکدیگر متحد باشند؛ این خطاب به کیست؟ خطاب به ما است، خطاب به ملت ایران است، خطاب به ملت های مسلمان کشورهای اسلامی است، خطاب به همه مؤمنین به اسلام در سراسر دنیا است. ما به این عمل میکنیم؟ نقطه مقابل این آموزش قرآنی، آموزش استعماری است: اختلاف میان مسلمانان. یک عده، یک عده دیگر را تکفیر کنند، لعن کنند، خود را از آن ها بری بدانند. این چیزی است که امروز استعمار میخواهد؛ برای این که ما با هم نباشیم.» (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین المللی قرآن کریم، ۱۸/۳/۱۳۹۲، https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22828)

مفاهیمی، چون «تعاونوا» (مائده / ۲)، «اصلحوا» (سوره نساء، آیه ۱۶۴)، «اصلاح بین الناس» (همان، آیه ۱۱۴)، «ألف بینهم» (انفال / ۶۳)، «أمة واحدة» (سوره انبیاء، آیه ۹۲)، «أمة وسط» (بقره / ۱۴۲)، «حزب الله» (مجادله / ۲۲)، «صبغة الله» (بقره / ۱۲۸) و «اخوة» (حجرات / ۱۰).

<p>«اما «وسط» در اسلام چیست؟ در مقابل تندرو است؟ نه، «وسط» در مقابل منحرف است... اگر از این راه مستقیم منحرف شدید - چه به این طرف و چه به آن طرف - این غیر میانه است. پس در مقابل میانه روتندرو نیست؛ در مقابل میانه رو منحرف است. آن کسی میانه رو نیست که منحرف از راه و منحرف از جاده است؛ اما در جاده، بعضی ها تندتر میروند و بعضی ها کندتر میروند. تند رفتن در صراط مستقیم چیز بدی نیست... جلوتر بروید. آنهایی که امروز در بیرون از مرزهای کشور می گویند تندرو، مقصودی دارند و معنایی مورد نظرشان است.» (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار مردم نجف آباد، ۱۳۹۴/۱۲/۵، https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32414)</p>	<p>﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾</p>	<p>بقره، آیه ۱۴۳</p>
<p>در ارتباط با این آیه باید بیان داشت که ۱. از عوامل تفرقه و جدایی، تغییر و تحریف در مکتب است. «إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا». ۲. با آنان که مجموعه مکتب اسلام را قبول ندارند، نباید همکاری کرد آنان از امت محمد محسوب نخواهند شد. «لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ» آنان مورد تهدید خداوند هستند. «إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ»</p>	<p>﴿إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾</p>	<p>انعام، آیه ۱۵۹</p>
<p>رمز پیروزی انقلاب اسلامی اتحاد میان تمام اقشار ملت ایران بود. این مسئله پس از انقلاب اسلامی نیز در دستور کار قرار گرفت، چه زمانی که ایران ۸ سال درگیر جنگ تحمیلی بود و چه زمانی که سیاست ایران با رهبری امام و مقام معظم رهبری، پیرامون اتحاد اسلامی در سامان می یافت. این مبنا یعنی اتحاد اسلامی در آیات الهی نیز مورد اشاره قرار گرفته است که مهم ترین و روشن ترین آن آیه <i>وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ</i> است.</p>		<p>جمع بندی</p>

۵- ۲- ۵. عدالت اجتماعی

در یک تعریف، عدالت در لغت و به معنای تحت اللفظی آن، به معنی مساوات (اصفهانى، ۱۴۱۶ق، ۵۵۱)، ضد جور (اللبنانى، ۱۳۷۴، ۴۹۴) و عدم افراط و تفریط است (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۳۴، ۱۲۱). این مفهوم در بعد اجتماعی آن، از دیرباز به عنوان یکی از اساسی‌ترین آرمان‌های بشری مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران قرار گرفته است. در تعریف این واژه گفته شده است که عدالت اجتماعی یکی از دلالت‌های مفهوم عدالت است که منظور از آن تخصیص و تقسیم «منصفانه» منابع در یک جامعه است. در این معنا، برای تحقق چنین فرایندی، قانون باید به سطح قابل قبولی از عدالت واقعی و رسمی دست یابد و باید توزیع منصفانه منابع و برابر فرصت‌ها را تضمین کند (Graham, 1989: 53).

در همین راستا نیز، مقام معظم رهبری اساس و بنیاد تشکیلات یک جامعه بسامد را «عدالت اجتماعی» می‌دانند و می‌فرمایند: «در تمام آثار دینی، که شما نگاه می‌کنید، هدف و غایت برای حرکت جامعه اسلامی، تشکیل جامعه عادلانه است. راجع به امام زمان (عج) این همه اثر هست و اغلب این‌ها، گفته می‌شود که آن بزرگوار تشریف بیاورند تا این که جهان را پر از عدل کنند، پراز عدالت کنند، یعنی آنچه در درجه اول مطرح است عدالت است که باید انجام گیرد (ر.ک: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هیئت دولت، ۱۳۷۲/۶/۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2682>) با توجه به این تعریف می‌توان استدلال نمود که بنابراین، در گفتمان انقلاب اسلامی، عدالت اجتماعی بدین معنی است که فاصله بوجود آمده میان طبقات و درآمدهای نا به حق و محرومیت‌ها و شکاف‌های ناصحیح از میان برود و مستضعفان که همواره وفادارترین مدافعان انقلاب هستند احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت حرکتی جدی و صادقانه انجام می‌گیرد. بر این، انگیزه اصلی از مبارزات طولانی و بحق مردم مسلمان و انقلابی ایران و نیز رهبران انقلاب اسلامی، استقرار عدل در جامعه و ایجاد زمینه برپایی قسط اسلامی برای آحاد افراد آن بوده است. در قرآن نیز، مبانی عدالت اجتماعی مورد تأکید بسیار قرار گرفته است. زیرا این مفهوم

از مفاهیم مقدس و والایی است که قرآن کریم آن را به عنوان یکی از هدف‌های بعثت انبیاء بیان فرموده است. در سوره حدید آیه ۲۵ قرآن با صراحت می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾، این آیه آشکارا به برقراری عدل در میان انسان‌ها اشاره می‌کند. در این آیه خداوند می‌فرماید: «ما فرستادگان خودمان را با دلایل روشن فرستادیم. میزان، یعنی قوانین و مقررات عادلانه، برای چه؟ ليقوم الناس بالقسط، برای این که همه افراد بشر به عدالت رفتار کنند و اصل عدالت در میان بشر برقرار گردد. بنابراین، مسأله برقراری عدالت، آن هم با مقیاس بشریت، هدف اصلی و مشترک عمومی همه انبیاء بوده است (مطهری، ۱۳۷۸، ۲۲۱).

همچنین سوره مائده، آیه ۸ آن جا که خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ...﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است» و سوره نساء، آیه ۱۳۵ که صراحتاً بیان می‌دارد ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوْ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا...﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد! (چرا که) اگر آن‌ها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند» نشان دهنده اهمیت مقوله عدالت اجتماعی در قرآن است.

از همین رو، پیامبر اسلام مأمور به برقراری عدالت در میان مردم می‌شود: ﴿أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ﴾ (شوری، آیه ۱۵) و در جای دیگر چنین مورد خطاب واقع می‌شود: ﴿فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا﴾ (حجرات، آیه ۹). در همین راستا، از آنجا که انقلاب ما برگرفته از احکام نورانی اسلام و آموزه‌های انسان‌سازان است، لذا یکی از مبانی مهم آن برپایی عدالت در تمام ابعاد و زمینه‌ها می‌باشد که به اقتضای توان و ظرفیت خود به آن اقدام می‌نماید.

جدول شماره ۶: مبانی کلامی عدالت اجتماعی در آیات قرآنی

توضیحات	سوره	آیه
<p>در تفسیر و توضیح این این مقام معظم رهبری می‌فرمایند «این جور به نظر می‌رسد که در بادی امر، که هدف از ارسال رسل و انزال کتب و معارف الهی، اقامه قسط است. (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱، https://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=29151</p>	<p>﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾</p>	<p>حدید، آیه ۲۵</p>
<p>در تشریح و تفسیر این دو آیه نیز ایشان می‌فرمایند: «انصاف را باید رعایت کرد؛ انصاف در مقابل آن دوستی که در مجلس همکار شما است، انصاف در مقابل آن کسی که بیرون مجلس است، انصاف در مقابل دولت، انصاف در مقابل قوه قضائیه. انصاف را باید رعایت کنید؛ «ولا یجرمکم شنان قوم علی الا تعدلوا» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۳/۸، بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، https://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=22728</p>	<p>﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ﴾</p>	<p>مائده، آیه ۸</p>
<p>مجلس شورای اسلامی، https://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=22728</p>	<p>﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا...﴾</p>	<p>نساء، آیه ۱۳۵</p>
<p>عدالت اجتماعی از جمله مقولاتی است که اساس دعوت انبیا را تشکیل می‌دهد. این مسئله حساس از جمله موارد محرک مردم ایران برای سرنگونی رژیم پادشاهی بود، مردمی که تا قبل از این، برابری را تنها در شعارهای سیاستمداران می‌دیدند، در راستای کسب عدالت اجتماعی فعل تغییر نظام سیاسی را در سال ۱۳۵۷ صرف نمودند.</p>		<p>جمع بندی</p>

نتیجه

از نظر نویسندگان مبانی انقلاب اسلام به طور حتم شامل موارد دیگری نیز می‌شود اما آنچه به نظر می‌رسد به عنوان مهم‌ترین مبانی می‌توان بدان اشاره نمود، عبارت است از: ۱. بیداری اسلامی، ۲. عدالت اجتماعی، ۳. دعوت به تفکر، ۴. وحدت اسلامی و ملی و ۵. استقلال در معنای گسترده آن. این مبانی منشأ اصلی خود را در متن مقدس و وحی الهی می‌بیند. به عبارتی مبانی کلامی آن را قرآن و ارزش‌ها و ایستارهای اسلامی است که تأمین می‌کند. در همین راستا، به نظر می‌رسد که یکی از دلایل اهمیت یافتن این انقلاب برای تئوریسین‌هایی چون میشل فوکو، دریدا، ادوارد سعید و... نیز همین باشد. زیرا انقلاب مردم ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام ماهیت اسلامی دارد. یعنی اسلامی که مبتنی بر یک نظام ارزشی است نه نظامی بر پایه آموزه‌های مادی و لیبرال. بدیهی است که در این نظام ارزشی که آموزه‌های اسلامی کانون تحرک و میزان تحول را در اختیار دارد، ویژگی‌ها و مشخصه‌های جامعه سیاسی آرمانی بر اساس هنجارهای دین مبین اسلام عرضه شده است. در این میان نیز، لیدرها و رهبران دینی - مذهبی بر اساس نظام ارزشی، شیوه‌ها و راهکارهای عملی دگرگون‌سازی جامعه در جهت دستیابی به جامعه آرمانی را ارائه می‌دهند. بنابراین و بر این مبنا، مبانی پایه‌ای و اساسی انقلاب اسلامی، مبتنی بر آموزه‌ها و هنجارهای اسلامی است که در این تحقیق تنها به بخشی از مهم‌ترین آن‌ها پرداخته شد تا اثبات شود که اسلام در کاربرد ارزشی روش‌ها و شیوه‌ها، در مقایسه با سایر مکاتب، ملاک‌ها و معیارهای ویژه‌ای دارد که با آنچه امروزه در جهان متداول است، متفاوت است. در این میان، حرکت در چارچوب اسلام و حاکمیت اخلاق و این‌که اسلام استفاده از هر وسیله در جهت دستیابی به هدف را مجاز نمی‌شمرد، از خطوط کلی حاکم بر این شیوه‌ها است. زیرا قرآن کریم بسیاری از ابعاد نظام آرمانی اسلام را مشخص کرده است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان، قم ۱۳۷۸ ش.
۲. احسانی، محمد، *مبانی قرآنی قیام امام حسین* علیه السلام، ۲۳ آذر ۱۳۹۳، نقل شده در سایت: <http://www.irdc.ir/fa/content/54370/default.aspx>
۳. اصفهانی، راغب، *مفردات*، دمشق دارالقلم، س ۱۴۱۶ هـ ق ۱۹۹۶ م.
۴. اکبری دستک، فیض اله، «*پیوند قرآن و انقلاب اسلامی در اندیشه و سیره امام خمینی* علیه السلام»، پژوهشنامه متین، شماره ۷۵، ۱۳۹۶، ص ۴۳-۷۲.
۵. امام خمینی، سید روح الله، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۶. آذرتاش، آذرنوش، *فرهنگ معاصر (عربی - فارسی)*، تهران، نشرنی، ۱۳۷۹.
۷. آرنت، هانا، *انقلاب*، ترجمه فولادوند، عزت الله، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.
۸. ابن ابی طالب علیه السلام، علی، *نهج البلاغه*، گردآورنده رضی الدین شریف، مترجم جواد فاضل، خوی، راهروان قلم، ۱۳۸۴.
۹. جعفری، محمد تقی، *شرح نهج البلاغه*، ج ۵، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.
۱۰. جمشیدی، محمد حسین، *اندیشه سیاسی شهید رابع سید محمد باقر صدر*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۷.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، چاپ چهارم، بیروت، دارالعلم، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، ترجمه علی صحت، تهران، ناس، ۱۳۶۴.
۱۳. خومحمدی، سعید، «*وحدت اسلامی یا وفاق تشیع و تسنن در سخنان امام علی* علیه السلام»، مجله نهج البلاغه، شماره ۱۵، ۱۳۸۵ ش.
۱۴. داریوش آشوری، *فرهنگ علوم انسانی*، تهران، مرکز، ۱۳۷۴.
۱۵. دهخدا علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، ۱۳۴۱.
۱۶. رشیدی، امیرحسین؛ نصرت پناه، محمدصادق؛ مرادی، محمدحسین، «تحلیل گفتمان انتقادی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از روش نورمن فرکلاف»، مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۸۳، ۱۳۹۸، ص ۳۹ تا ۶۵.

۱۷. روزنامه همشهری ماه، شماره ۱۸ بهمن، ۱۳۸۶.
۱۸. شریفی، علی، «مبانی قرآنی جواز مشارکت سیاسی زنان در انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۱۴، ۱۳۹۴، ص ۸۷-۱۰۹.
۱۹. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، راه انقلاب، مجموعه مقالات پژوهشی، تهران، نشر هماهنگ، ۱۳۷۸.
۲۰. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دارالاعتصام، ۱۳۸۳.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۸۴.
۲۲. عیوضی، محمد رحیم، هراتی، محمد جواد، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، قم، دفتر نشر معارف، چاپ نوزدهم، ۱۳۹۱.
۲۳. قطب، محمد، بیداری اسلامی، ترجمه و تقدیم صباح زنگنه، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴.
۲۴. اللببانی الشرتونی سعید خوری، اقرب الموارد فی فصح العربیه، چاپ اول، المطبعة اسوه، جزء ۳، ۱۳۷۴.
۲۵. لک زایی، شریف، «حکمت متعالیه و انقلاب اسلامی ایران»، جستارهای سیاسی معاصر، سال چهارم، شماره ۲، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵-۱۴۴.
۲۶. محمد بن سعید، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر للطباعة والنشر، ۱۳۷۶ق-۱۹۵۷م.
۲۷. محمدی، محمد علی، «مبانی انقلاب اسلامی در قرآن و روایات (با تاکید بر دیدگاه امام و آیت الله خامنه‌ای)»، پاسدار اسلام، شماره ۴۳۵ و ۴۳۶، ۱۳۹۷، ص ۴۲-۴۵.
۲۸. مرتضی، مطهری، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، چ ۱۱، تهران، صدرا، ۱۳۷۲.
۲۹. مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، چاپ دهم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.
۳۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳.
۳۱. مقام معظم رهبری (آیت الله خامنه‌ای)، سید علی، حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۳۲. مقام معظم رهبری، ایجاد نظام اسلامی به نحو کامل، مطالبه اسلام از مسلمین، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱.

- نقل شده در <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=57&npt=7&aya=25>.
۳۳. مقام معظم رهبری، *طبق معارف اسلامی در مقابل میانه‌رو منحرف است نه تندرو*، ۱۳۹۴/۱۲/۵،
نقل شده در سایت: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=3&npt=7&aya=103>.
۳۴. مقام معظم رهبری، لزوم رعایت انصاف در مقابل کسی که از او بدمان می‌آید، ۱۳۹۲/۳/۸، نقل
شده در سایت: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=5&npt=7&aya=8>.
۳۵. مقام معظم رهبری، متحد بودن امت اسلامی دستور قرآن است، ۱۳۹۲/۳/۱۸، نقل شده در
سایت: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=3&npt=7&aya=103>.
۳۶. منیر البعلبکی، *موسوعه المورد*، ج ۳، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۰ م.
۳۷. وایت، بریان، لیتل، ریچارد و اسمیت، میشل، *دین در جهان*، ترجمه منیژه جلالی، روزنامه
همشهری، ۲۰ فروردین ۱۳۸۱.
۳۸. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای: khamenei.ir
۳۹. Graham, Gordon: contemporary social philosophy; oxford, Black well, 1989.
Huntington, Political Order in Changing Societies.